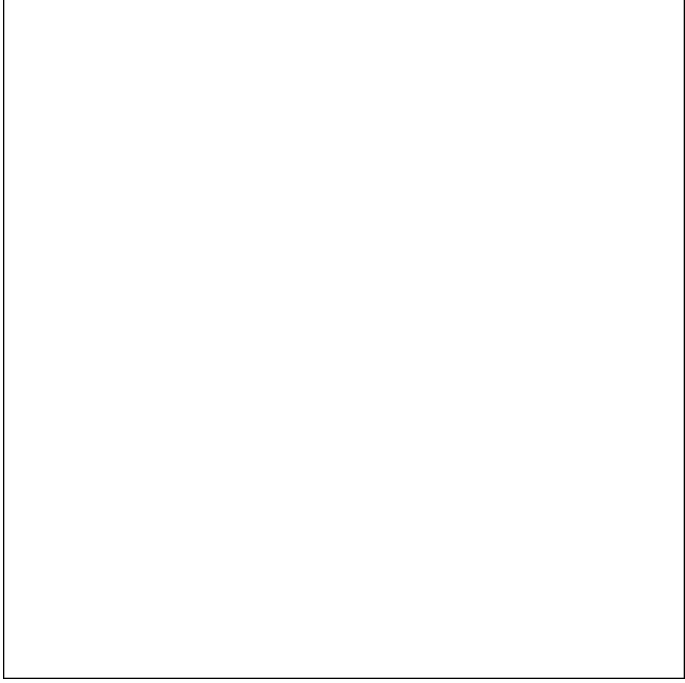


یک دانه ی کوچه: داستان و انگاری
ملاتی



✎ Nicola Rijdsijk
✉ Maya Marshak
📧 Marzieh Mohammadian Haghighi
3
فارسی



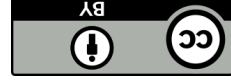
Global Storybooks

globalstorybooks.net

یک دانه ی کوچه: داستان و انگاری ملاتی

✎ Nicola Rijdsijk
✉ Maya Marshak

📧 Marzieh Mohammadian Haghighi



This work is licensed under a Creative Commons
[Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0).
<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>





در روستایی روی سرازیری کوه کنیا در شرق
آفریقا، دختر کوچکی با مادرش روی زمینی کلر
می کرد. اسم آن دختر وانگاری بود.

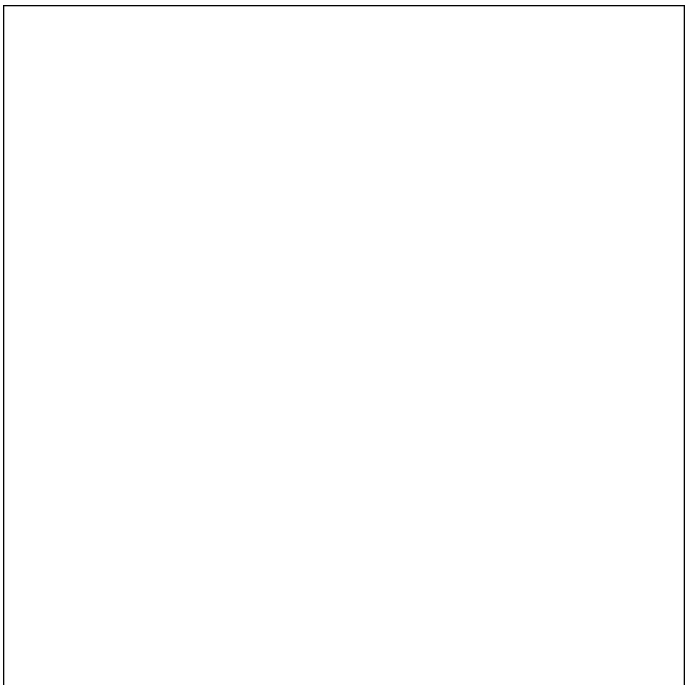
استیاد می‌شاید.

آن روز و می‌کردم و فرم کردی جای زبیر را در جاک

بزرگ خود جای زبیر و می‌کردم و دانده های

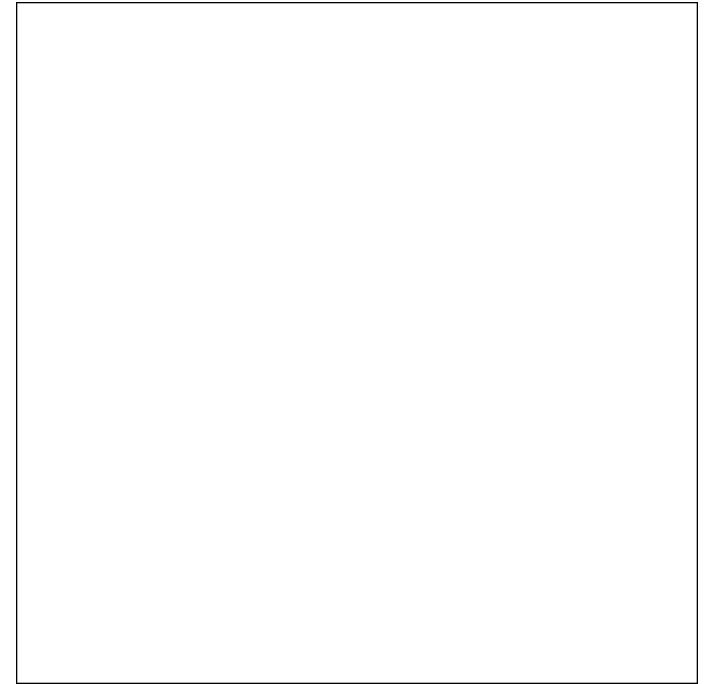
جانبی که استیاد می‌کردم

و انگاری از بیرون بودم در آنجا





بهترین زمان مورد علاقه ی او در طول روز، زمان غروب بود. زمانی که خیلی تاریک می شد و نمی شد گیاهان را دید، وانگاری می دانست که دیگر باید به خانه برگردد. او از کنار رودخانه ها و مسیرهای باریکی که در بین زمین های کشاورزی بود رد می شد.



وانگاری در سال 2011 از دنیا رفت، ولی ما هر وقت که به یک درخت زیبا نگاه می کنیم به یاد او می افتیم.

می‌کرد.

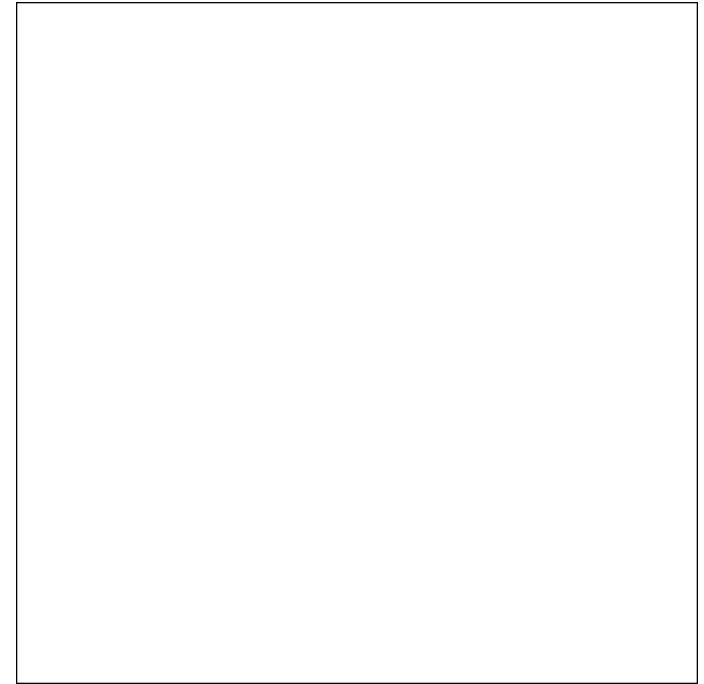
او اولین زن آفریقایی بود که این آداب را در بافت
و اصلاح نوبل بود و
خانم را داد. این خانم، خانم، خانم، خانم
می‌خواست که این موضوع را بنویسد، و به او یک خانم
و انگاری سخت کار کرده بود. مردم مراسم دینا

رفتاری ندهند.

مدیر مدرسه ی خانم را و خانم را و خانم را و خانم را و خانم را
و خانم را و خانم را و خانم را و خانم را و خانم را
و خانم را و خانم را و خانم را و خانم را و خانم را
و خانم را و خانم را و خانم را و خانم را و خانم را
و خانم را و خانم را و خانم را و خانم را و خانم را



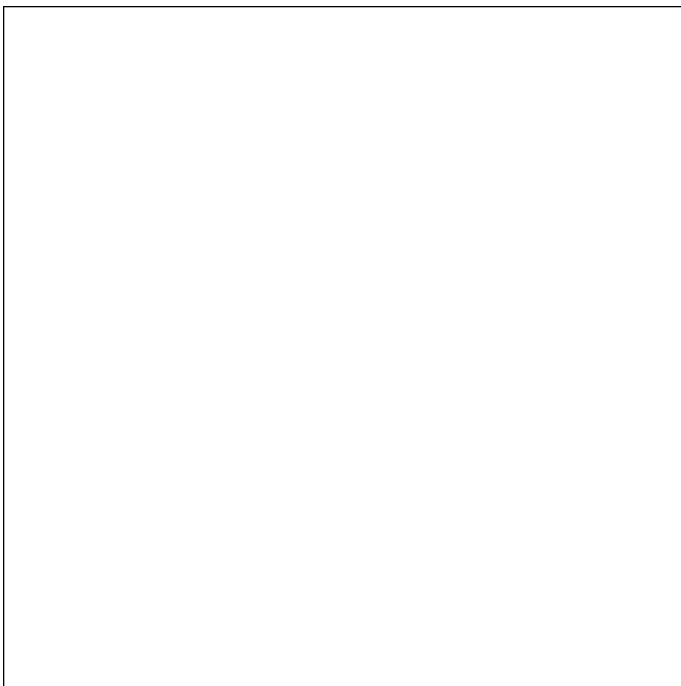
او به یادگیری علاقه داشت! وانگاری با خواندن هر کتاب مطالب بیشتر و بیشتری یاد گرفت. او در مدرسه عالی بود به طوری که برای ادامه تحصیل به ایالات متحده ی آمریکا دعوت شد. وانگاری هیجان زده بود! او می خواست که بیشتر در مورد دنیا بداند.



همچنان که زمان می گذشت، درخت های جدید در جنگل ها رشد کردند، و رودخانه ها دوباره جاری شدند. پیام وانگاری در سرتاسر آفریقا پیچید. امروزه میلیون ها درخت از بذره ای وانگاری رشد کرده اند.

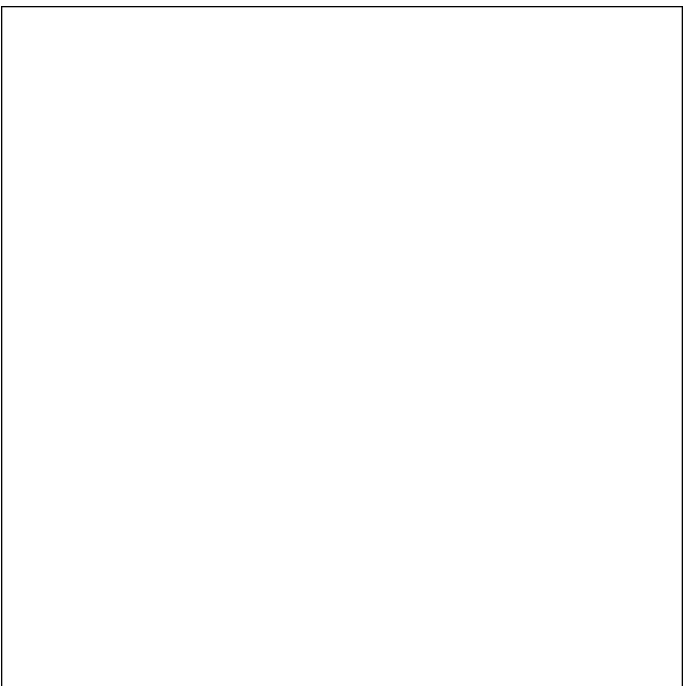
نپرومندی کنید.

و احساس قدردانی و
کمک کرده بود که
آنها برای پیشرفت
و انگاری به
میراث از جانشینان
پیشین و از
درجات در زمان
پس از جنگ جهانی
دوم که با استفاده
از منابع و
توانمندی که در
آن زمان وجود
داشت.



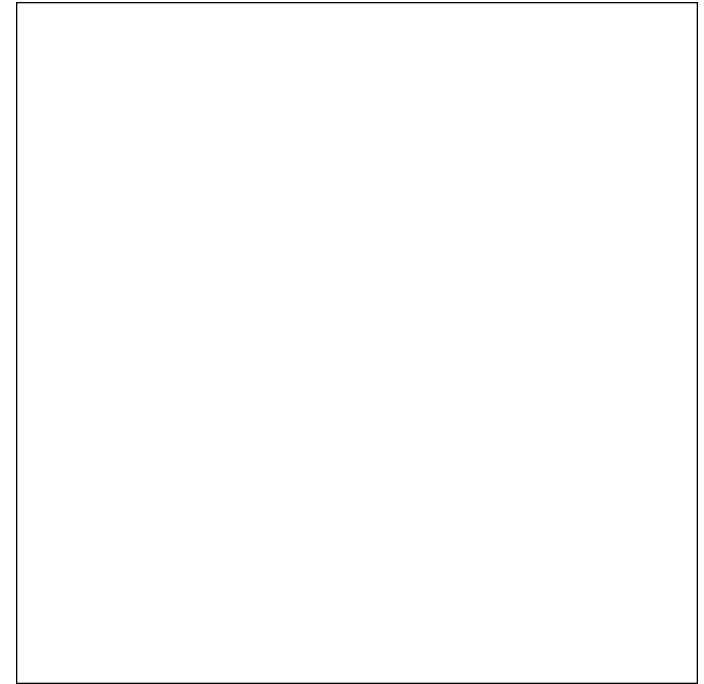
کتابها را برای پیشرفت
کتابها را برای پیشرفت

کتابها را برای پیشرفت
کتابها را برای پیشرفت
کتابها را برای پیشرفت
کتابها را برای پیشرفت
کتابها را برای پیشرفت
کتابها را برای پیشرفت
کتابها را برای پیشرفت
کتابها را برای پیشرفت
کتابها را برای پیشرفت
کتابها را برای پیشرفت





هر چه بیشتر یاد می‌گرفت، بیشتر می‌فهمید که
چقدر مردم کنیا را دوست دارد. او می‌خواست که
مردم شاد و آزاد باشند. هر چه بیشتر یاد
می‌گرفت، بیشتر خانه‌ی آفریقایی‌اش را به یاد
می‌آورد.



وقتی که تحصیلاتش به پایان رسید، به کنیا
برگشت. ولی شهرش تغییر کرده بود. مزرعه‌های
خیلی بزرگ در طول زمین گسترده شده بودند. زن
ها دیگر هیزم برای آشپزی نداشتند. مردم فقیر
بودند و بچه‌ها گرسنه.